

مائو تسه دون

منتخب آثار

جلد اول

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۶۹

پرونتاهاى سراسر جهان متحد شويد !

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com



毛泽东

چاپ اول ۱۹۶۹

ترجمه فارسی جلد اول « منتخب آثار مائو تسه دون »
منطبق است با چاپ دوم چینی از جلد اول « منتخب آثار
مائو تسه دون » که از طرف اداره نشریات « مردم » در
ژوئییه سال ۱۹۵۲ در پکن منتشر شده است .

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

توضیح ناشر

چاپ کنونی « منتخب آثار مائو تسه دون » شامل آثار مهمی است که رفیق مائو تسه دون در دوره‌های مختلف تاریخی انقلاب چین نگاشته است . طی سالهای اخیر چاپهای گوناگونی از « منتخب آثار مائو تسه دون » در نقاط مختلف منتشر گردیده که هیچیک از آنها قبل از چاپ بنظر نگارنده نرسیده بود ، نظم و ترتیب آثار بدرستی حفظ نشده بود ، در متن غلط وجود داشت و برخی از آثار مهم شامل نشده بود . چاپ کنونی بر اساس تاریخ نگارش مقالات و طبق دوره‌های گوناگون تاریخی ایکه حزب کمونیست چین پس از تأسیس خود طی نموده ، تنظیم گشته است . ما کوشیده‌ایم در چاپ کنونی آن آثار مهمی را که در چاپهای گذشته دیده نمیشدند ، نیز گرد آوریم . نگارنده تمام این آثار را ملاحظه کرده ، در زبان اصلاحاتی بعمل آورده ، چند اثر را تکمیل نموده و یا در متن آنها تجدید نظر کرده است . در رابطه با انتشار این آثار نکات زیرین شایان تصریح اند :

۱ - منتخبات کنونی نیز کامل نیست . از آنجا که اسناد انقلابی توسط مرتجعین گومیندان نابود شده‌اند ، و یا طی سالهای طولانی جنگ مفقود گشته‌اند ، ما نتوانسته‌ایم تمام نوشته‌های رفیق مائو تسه دون را جمع نمائیم ؛ بویژه بسیاری از نامه‌ها و تلگرافها که بخش قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌های رفیق مائو تسه دون را تشکیل میدهند ، در دست نیستند .

۲ - بعضی از نوشته‌هایی که در گذشته بطور وسیع پخش شده بودند،

مانند « بررسی در روستا » بنابر درخواست مؤلف حذف شده‌اند ؛ و بهمین علت از اثر « مسایل اقتصادی و مالی » فقط فصل اول : « جمع‌بندی اساسی کارهای گذشته » در این منتخبات شامل شده است .

۳ - برای چاپ کنونی یادداشتهائی منظور شده است ؛ توضیح عنوان در پاورقی صفحه اول هر مقاله آمده است ، و بقیه یادداشتهای سیاسی و غیره - در پایان هر مقاله چاپ شده‌اند .

۴ - چاپ کنونی بزبان چینی در يك جلد یا چهار جلد بطبع رسیده است . چاپ چهار جلدی چنین تنظیم شده است ؛ جلد اول شامل آن آثاری است که در دوره نخستین جنگ انقلابی داخلی (۱۹۲۴ - ۱۹۲۷) و دوره دومین جنگ انقلابی داخلی (۱۹۲۷ - ۱۹۳۷) نگاشته شده است ؛ جلد دوم و سوم حاوی آن آثاری است که در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی (۱۹۳۷ - ۱۹۴۵) نوشته شده است ؛ و جلد چهارم آن آثاری را دربر میگیرد که در دوره سومین جنگ انقلابی داخلی (۱۹۴۵ - ۱۹۴۹) برشته تحریر در آمده است .

کمیسیون کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
برای طبع و نشر منتخب آثار مائو تسه دون

۲۵ اوت ۱۹۵۱

فهرست

دوره نخستین جنگ انقلابی داخلی

- ۱۵ تحلیل طبقات جامعه چین (مارس ۱۹۲۶)
- ۳۱ گزارش درباره بررسی جنبش دهقانی حونان (مارس ۱۹۲۷)
- ۳۱ : اهمیت مسئله دهقانی
- ۳۳ متشکل شوید !
- ✓ مرده باد مستبدین محلی و متنفذین شریر ! همه قدرت بدست
- ۳۴ ✓ اتحادیه های دهقانی !
- ۳۶ ✓ "بسیار بد است !" و "بسیار خوب است !"
- ۳۸ ✓ مسئله باصطلاح "زیاده روی"
- ۴۱ ✓ باصطلاح "جنبش پابرهنگان"
- ۴۲ ✓ پیشاهنگ انقلاب
- ۴۸ ✓ چهارده دستاورد بزرگ

دوره دوسمین جنگ انقلابی داخلی

- چرا حکومت سرخ در چین میتواند پا برجا بماند ؟ (۵ اکتبر ۱۹۲۸) ۹۱
- ۹۱ ✓ ۱ - وضع سیاسی داخل کشور
- ۹۳ ۲ - دلایل پیدایش و بقاء حکومت سرخ در چین

- ۳ - حکومت مستقل در منطقه مرزی خونان - جیان سی
و شکست ماه اوت
- ۹۷
- ۴ - نقش حکومت مستقل منطقه مرزی خونان - جیان سی
در سه استان خونان ، حوبه و جیان سی
- ۹۹
- ۵ - مسایل اقتصادی
- ۱۰۰
- ۶ - مسئله پایگاههای نظامی
- ۱۰۱
- مبارزه در کوهستان جین گان (۲۵ نوامبر ۱۹۲۸)
- ۱۰۷
- حکومت مستقل در منطقه مرزی خونان - جیان سی و شکست
ماه اوت
- ۱۰۷
- وضع کنونی منطقه حکومت مستقل
- ۱۱۶
- مسایل نظامی
- ۱۱۸
- مسایل ارضی
- ۱۲۹
- مسایل مربوط به قدرت سیاسی
- ۱۳۵
- مسایل مربوط به سازمان حزبی
- ۱۳۷
- ✓ مسئله خصلت انقلاب
- ۱۴۵
- مسئله محل حکومت مستقل
- ۱۴۷
- ✓✓ در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب (دسامبر ۱۹۲۹)
- ۱۵۷
- ✓ در باره روحیه نظامیگری
- ۱۵۸
- در باره دموکراسی افراطی
- ۱۶۲
- در باره نظرات غیرتشکیلاتی
- ۱۶۴
- ✓ در باره تساوی گری مطلق
- ۱۶۵
- در باره سوئز کتیویسم
- ۱۶۶
- در باره اندیویدوآلیسم
- ۱۶۸
- در باره روحیه یاغیگری
- ۱۷۰

- ۱۷۲ درباره بقایای پوچیسیم
- ۱۷۵ از يك جرقة حریق بر میخیزد (۵ ژانویه ۱۹۳۰)
- ۱۹۵ باید به کار اقتصادی توجه کنیم (۲۰ اوت ۱۹۳۳)
- ۲۰۷ چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا (اکتبر ۱۹۳۳)
- ۲۱۳ سیاست اقتصادی ما (۲۳ ژانویه ۱۹۳۴)
- از زندگی توده‌ها مواظبت کنید ، به شیوه‌های کار توجه نمائید
- ۲۲۱ (۲۷ ژانویه ۱۹۳۴)
- ۲۳۱ در باره تاکتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن (۲۷ دسامبر ۱۹۳۵)
- ۲۳۱ ویژگیهای وضع سیاسی کنونی
- ۲۴۵ جبهه متحد ملی
- ۲۵۱ جمهوری توده‌ای
- ۲۵۸ کمک بین‌المللی
- ۲۷۱ مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶)
- ۲۷۱ فصل اول - چگونه باید جنگ را مطالعه کرد ؟
- ۲۷۱ ۱ - قوانین جنگ رشد یابنده‌اند
- ۲۷۷ ۲ - هدف جنگ برانداختن جنگ است
- ۲۷۸ ۳ - استراتژی مطالعه قوانین مسلط بر وضع کلی جنگ است
- ۲۸۳ ۴ - مهم اینستکه بتوانیم یاد گیریم
- ۲۹۰ فصل دوم - حزب کمونیست چین و جنگ انقلابی چین
- ۲۹۵ فصل سوم - ویژگیهای جنگ انقلابی چین
- ۲۹۵ ۱ - اهمیت موضوع
- ۲۹۷ ۲ - ویژگیهای جنگ انقلابی چین کدامند ؟
- ۳۰۱ ۳ - استراتژی و تاکتیک ما از این ویژگیها ناشی میشود
- فصل چهارم - عملیات "محاصره و سرکوب" و عملیات

- ۳۰۴ ضد "محاصره و سرکوب" - شکل عمده جنگ داخلی چین
- ۳۱۱ فصل پنجم - دفاع استراتژیک
- ۳۱۱ ۱ - دفاع فعال و دفاع غیرفعال
- ۳۱۷ ۲ - تدارك برای عملیات ضد "محاصره و سرکوب"
- ۳۲۰ ۳ - عقب نشینی استراتژیک
- ۳۴۰ ۴ - تعرض متقابل استراتژیک
- ۳۴۳ ۵ - آغاز تعرض متقابل
- ۳۵۶ ۶ - تمرکز قوا
- ۳۶۶ ۷ - جنگ متحرک
- ۳۷۴ ۸ - جنگ زودفرجام
- ۳۷۹ ۹ - جنگ نابود کننده
- ۳۹۱ اعلامیه درباره اعلامیه چانگایشک (۲۸ دسامبر ۱۹۳۶)
- ۴۰۳ وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاوت علیه ژاپن (۳ مه ۱۹۳۷)
- ۴۰۳ مرحله کنونی رشد تضادهای خارجی و داخلی چین
- ۴۰۸ مبارزه در راه دموکراسی و آزادی
- ۴۱۷ مسئولیت ما در رهبری
- در راه جلب توده‌های میلیونی خلق به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی
- ۴۳۵ (۷ مه ۱۹۳۷)
- ۴۳۵ مسئله صلح
- ۴۳۹ مسئله دموکراسی
- ۴۴۲ مسئله آینده انقلاب
- ۴۴۴ مسئله کادرها
- ۴۴۵ مسئله دموکراسی در درون حزب
- ۴۴۶ وحدت در کنفرانس و در سراسر حزب
- ۴۴۶ در راه جلب توده‌های میلیونی خلق به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی

۴۵۱	درباره پراتیک (ژوئیه ۱۹۳۷)
۴۷۳	درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷)
۴۷۴	۱ - دو جهان بینی
۴۸۰	۲ - عام بودن تضاد
۴۸۵	۳ - خاص بودن تضاد
۵۰۱	۴ - تضاد عمده و جهت عمده تضاد
۵۱۰	۵ - همگونی و مبارزه اضداد
۵۱۹	۶ - مقام آنتاگونیسم در تضاد
۵۲۲	۷ - نتیجه گیری

دوره نخستین جنگ انقلابی داخلی

www.KetabFarsi.com

تحلیل طبقات جامعه چین

(مارس ۱۹۲۶)

دشمنان ما کیستند؟ دوستان ما کدامند؟ این مسئله ایست که برای انقلاب دارای اهمیت درجه اول میباشد. علت اصلی اینکه کلیه مبارزات انقلابی گذشته چین به دستاوردهای ناچیز رسیدند، این بود که احزاب انقلابی نتوانستند با دوستان حقیقی خود برای حمله بدشمنان واقعی متحد شوند. حزب انقلابی راهنمای توده‌هاست؛ هیچ انقلابی نیست که شکست نخورده باشد وقتی که حزب انقلابی توده‌ها را بکثراه بکشانند. برای کسب اطمینان باینکه توده‌ها را منحرف نخواهیم کرد و در انقلاب به پیروزی حتمی دست خواهیم یافت، باید توجه خود را باتحاد با دوستان حقیقی خود برای حمله بدشمنان واقعی ما معطوف کنیم. برای تشخیص دوستان حقیقی از دشمنان واقعی، باید وضعیت اقتصادی طبقات مختلف جامعه چین و برخورد هر یک از آنها را نسبت به انقلاب در خطوط کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

این مقاله رفیق مائو تسه دون متوجه دو گرایش است که در آنزمان در حزب پدید گشته بود. طرفداران گرایش اول، بنمایندگی چن دوسیو، تمام توجه خود را به همکاری با گومیندان معطوف ساخته و دهقانان را فراموش کرده بودند؛ این اپورتونیسم راست بود. طرفداران گرایش دوم، بنمایندگی جان گوه تائو توجه خود را فقط به جنبش کارگری معطوف ساخته و دهقانان را نیز از یاد برده بودند؛ این اپورتونیسم "چپ"

وضع طبقات مختلف جامعه چین چگونه است ؟

طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور . در چین نیمه مستعمره و

از نظر اقتصادی عقب مانده ، طبقه مالکان ارضی و بورژوازی کمپرادور تماماً زائده بورژوازی بین‌المللی اند و بقاء و رشد آنها وابسته به امپریالیسم است . این طبقات نماینده عقب‌مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین مناسبات تولیدی در چین میباشند و از رشد نیروهای مولده چین جلوگیری میکنند . وجود آنها بهیچوجه با هدفهای انقلاب چین سازگار نیست . بویژه طبقه مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی کمپرادور بزرگ همیشه در طرف امپریالیسم می‌ایستند و گروه ضد انقلابی افراطی را تشکیل میدهند . نمایندگان سیاسی آنها اتالیستها (۱) و جناح راست گومیندان میباشند .

بورژوازی متوسط . این طبقه نماینده مناسبات تولیدی سرمایه‌داری چین

در شهر و روستاست . از بورژوازی متوسط بطور عمده بورژوازی ملی فهمیده میشود ؛ موضع‌گیری بورژوازی متوسط نسبت به انقلاب چین متضاد است ؛ این طبقه زمانیکه از ضربات سرمایه خارجی و ستم دیکتاتورهای نظامی رنج برد ، ضرورت انقلاب را حس میکند و جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتورهای نظامی را تأیید مینماید ؛ ولی وقتیکه پرولتاریای داخلی متهورانه در انقلاب شرکت جوید و پرولتاریای بین‌المللی نیز از خارج فعالانه

بود . طرفداران این دو جریان اپورتونیستی حس میکردند که نیروهایشان کافی نیستند ، ولی نمیدانستند سرچشمه قدرت کجا است و متحدین وسیع را کجا میتوان یافت . رفیق مائو تسه دون خاطر نشان ساخت که دهقانان عظیم‌ترین وفادارترین متحدین پرولتاریای چین میباشند و بدینترتیب مسئله عمده‌ترین متحدین را در انقلاب چین حل کرد . بعلاوه ، او در آنموقع پیش‌بینی نمود که بورژوازی ملی طبقه‌ای متزلزل میباشد که در هنگام اوج‌گیری انقلاب تجزیه خواهد گشت و جناح راست آن به سنگر امپریالیسم خواهد پیوست . رویدادهای سال ۱۹۲۷ صحت این مطلب را به ثبوت رساند .

به انقلاب یاری رساند و در نتیجه بورژوازی متوسط حس کند که انقلاب آرزوهای طبقه‌اش را در رسیدن به موقعیت بورژوازی بزرگ مورد تهدید قرار میدهد، نسبت بانقلاب تردید مینماید. بورژوازی متوسط از نظر سیاسی طرفدار برقراری حکومتی است که فقط زیر سلطه یک طبقه، یعنی بورژوازی ملی قرار گیرد. شخصی که خود را «مرید واقعی» دای جی تائو (۲) معرفی میکرد، روزی در روزنامه «چن بائو» چاپ پکن (۳) نوشت: «مشت چپ خود را بلند کنید و امپریالیستها را از پا در بیاورید؛ مشت راست خود را بلند کنید و کمونیستها را از پا در بیاورید.» این کلمات موضع متضاد و پریشانی بورژوازی متوسط را بروشنی نشان میدهد. این طبقه مخالف آنستکه اصل رفاه خلق گومیندان از دیدگاه تئوری مبارزه طبقاتی توضیح داده شود، و بعلاوه با اتحاد گومیندان با روسیه و قبول کمونیستها (۴) و عناصر چپ در گومیندان نیز مخالفت میورزد. ولی تلاش بورژوازی متوسط برای برقراری یک حکومت بورژوازی ملی بهیچوجه عملی نیست، زیرا اوضاع کنونی جهان طوری است که در آن دو نیروی بزرگ، یعنی انقلاب و ضد انقلاب، در نبرد نهائی با یکدیگر دست بگریبانند. و هر کدام پرچم بزرگی را برافراشته است: اولی درفش سرخ انقلاب است که انترناسیونال سوم باهتزاز در آورده و از کلیه طبقات ستمدیده جهان دعوت میکند در زیر آن گرد آیند و دیگری پرچم سفید ضد انقلاب است که مجمع اتفاق ملل بلند کرده و از کلیه ضد انقلابیون جهان دعوت میکند که در زیر آن گرد آیند. بی‌شک این طبقات بینایی بزودی تجزیه خواهند گشت، و برخی بسمت چپ متوجه گشته، بصفوف انقلاب میپیوندند و برخی دیگر بسمت راست منحرف گشته، بصفوف ضد انقلاب ملحق میشوند؛ برای آنها هیچگونه امکانی موجود نیست که موضع «مستقل» اتخاذ کنند. از اینرو اندیشه بورژوازی متوسط چین درباره انقلاب «مستقلی» که خود رکن

اساسی آنرا تشکیل دهد ، پنداری واهی بیش نیست .
 خرده بورژوازی . دهقانان مالك (۵) ، صاحبان کارگاههای صنایع دستی ،
 قشرهای زیرین روشنفکران — محصلین ، آموزگاران مدارس متوسط و
 ابتدائی ، مأمورین دون پایه دولت ، کارمندان جزء ، وکلای مدافع خرده پا—
 و کسبه همگی متعلق باین دسته‌اند . خرده بورژوازی را باید بعلت قدرت
 کمی و خصصت طبقاتی‌اش مورد توجه زیاد قرار داد . دهقانان مالك و صاحبان
 کارگاههای صنایع دستی ، خصصت اقتصادشان تولید كوچك است . قشرهای مختلف
 این طبقه با اینکه تماماً در موضع اقتصادی خرده بورژوازی قرار دارند ، بسه گروه
 گوناگون تقسیم میشوند . گروه اول مرکب از افرادی است که دارای مازاد
 پول و غله میباشند ، یعنی میتوانند همه ساله از طریق کار بدنی یا فکری پس از
 رفع نیازمندیهای خود مازادی هم داشته باشند . این اشخاص حریصانه در پی
 ثروتند و " مارشال جائو " (۶) را بخصوص تقدیس میکنند ؛ آنها گرچه
 خواب ثروت زیاد را نمیبینند ، ولی پیوسته در تلاشند تا خود را به
 سطح بورژوازی متوسط برسانند . آنها هر وقت به ثروتمندان كوچك
 که مورد احترام دیگرانند ، مینگرند ، آب از دهانشان جاری میشود . اینان
 افراد جیون و بزدلند ، از مأمورین دولت میترسند و در ضمن از انقلاب نیز
 قدری واهمه دارند . چون آنها از نظر وضع اقتصادی به بورژوازی متوسط بسیار
 نزدیکند ، تبلیغات آنرا زود باور میکنند و نسبت به انقلاب تردید مینمایند .
 این گروه در میان خرده بورژوازی در اقلیت است و جناح راست آنرا تشکیل
 میدهد . گروه دوم مرکب از افرادی است که بطور کلی میتوانند از نظر
 اقتصادی نیازمندیهای زندگی خود را مستقلاً تأمین کنند . آنها با افراد گروه
 اول خیلی فرق میکنند . آنها نیز خواب ثروت میبینند ، ولی " مارشال جائو "
 هرگز بآنها اجازه ثروت‌اندوزی نمیدهد . بعلاوه ، آنها در اثر ستم و استثمار

سالهای اخیر امپریالیسم ، دیکتاتورهای نظامی ، مالکان فئودال و بورژوازی کمپرادور بزرگ دریافته‌اند که جهان دیگر تغییر کرده‌است . آنها حس میکنند که امروز دیگر با صرف کار سابق قادر به تأمین زندگی خود نیستند و لذا برای ادامه زندگی باید روزگار خود را طولانی‌تر نمایند ، صبح‌ها زودتر بلند شوند ، شبها دیرتر بخانه برگردند و بکار خود توجهی دو چندان مبذول دارند . آنها در چنین لحظه‌ای است که ناسزاگویی آغاز میکنند : خارجیان را "شیطانهای خارجی" مینامند ، دیکتاتورهای نظامی را "ژنرالهای غارتگر" میخوانند و بر مستبدین محلی و متنفذین شریر (۷) "ثروتمندان قسی‌القلب" نام مینهند . در مورد جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتورهای نظامی آنها تنها در پیروزی آن ، شك دارند (باین دلیل که خارجیان و دیکتاتورهای نظامی بسیار نیرومندند) و نمیخواهند بدون تأمل در این جنبش شرکت جویند ، لذا موضع بیطرفانه اتخاذ میکنند ، لیکن بهیچوجه مخالف انقلاب نیستند . این گروه افراد زیادی را دربر میگیرد که تقریباً نیمی از مجموعه خرده بورژوازی را تشکیل میدهند . گروه سوم شامل افرادی است که شرایط زندگی‌شان روزبروز سختتر میشود . بسیاری از آنها که زمانی در شمار خانواده‌های دولتمند بودند ، وضعشان رفته رفته تغییر مییابد ، بطوریکه ابتدا زندگی خود را بزحمت اداره میکنند و سپس روز بروز فقیرتر میشوند . آنها در پایان هر سال وقتیکه دفتر دخل و خرج خود را جمع‌بندی میکنند ، با وحشت فریاد میکشند : "آه ! بازهم ضرر ! " این افراد بعلت اینکه زمانی زندگی بهتری داشته‌اند ولی اکنون وضعشان سال بسال بدتر میشود ، قرض آنها سیر صعودی میپوید و پیوسته به زیست فقیرانه‌تری تن در میدهند ، "از فکر آینده عرق سرد بر پیشانی‌شان مینشیند" . این اشخاص بعلت تفاوت بین زندگی گذشته و حال روحاً سخت در عذابند . آنها که توده وسیعی را

تشکیل میدهند و جناح چپ خرده بورژوازی را میسازند ، برای جنبش انقلابی بسیار مهم اند . در مواقع عادی موضع گیری این سه گروه خرده بورژوازی نسبت به انقلاب متفاوت است ، ولی در زمان جنگ یعنی زمانی که انقلاب اوج گرفته و شفق سرخ پیروزی طلوع کرده است ، نه تنها عناصر چپ خرده بورژوازی ، بلکه گروه های میانه آن نیز در انقلاب شرکت میکنند و حتی عناصر راست که موج عظیم انقلاب پرولتاریا و جناح چپ خرده بورژوازی آنها را با خود میبرد ، چاره ای نمی بینند جز اینکه همراه انقلاب روان گردند . آزمونهاى "جنبش ۳ مه" سال ۱۹۲۵ (۸) و جنبش های دهقانی مناطق مختلف صحت این تز را ثابت کرده است .

نیمه پرولتاریا . آنچه در اینجا نیمه پرولتاریا نامیده میشود ، مرکب از پنج دسته است : ۱ - اکثریت عظیم دهقانان نیمه مالک (۹) ، ۲ - دهقانان فقیر ، ۳ - پیشه وران خرده پا ، ۴ - شاگردان دکا کین (۱۰) ، ۵ - کاسبان دوره گرد . اکثریت عظیم دهقانان نیمه مالک همراه با دهقانان فقیر بخش عظیمی از توده های روستائی را تشکیل میدهند . مسئله دهقانی بطور کلی مسئله این توده هاست . دهقانان نیمه مالک ، دهقانان فقیر و پیشه وران خرده پا بتولید کوچکتر از تولید دهقانان مالک و صاحبان کارگاههای صنایع دستی مشغولند . گرچه اکثریت عظیم دهقانان نیمه مالک و همچنین دهقانان فقیر جزو نیمه پرولتاریا محسوب میشوند ، ولی برحسب وضع اقتصادی شان به گروه های فوقانی ، میانه و تحتانی تقسیم میشوند . زندگی دهقانان نیمه مالک از دهقانان مالک سختتر است زیرا غله شان تقریباً نصف احتیاجات سالانه خود را رفع میکند و بمنظور تهیه کسر غله مجبورند زمین دیگران را اجاره کنند و یا قسمتی از نیروی کار خود را بفروشند و یا به کسب دیگری پردازند . آنها ناگزیرند از اواخر بهار تا اوایل تابستان ، یعنی پیش از دروی محصولات سبز و پس

از مصرف محصولات سال گذشته ، با تنزیل زیاد پول قرض کنند و به بهای گزاف غله خریداری نمایند ؛ مسلماً زندگی این بخش از دهقانان از زندگی دهقانان مالك كه بكمك كسى نیاز ندارند ، سخت تر است ولی زندگی آنها از زندگی دهقانان فقیر بهتر است . چه دهقانان فقیر صاحب زمین نیستند و در ازای کار سالیانه فقط نیمی و یا حتی کمتر از نیم محصول خود را بدست میاورند ، در حالیکه دهقانان نیمه مالك گرچه از زمینهای اجاره‌ای فقط نیمی و یا کمتر از نیم محصول را دریافت میکنند ، در زمین شخصی خود تمام محصول را تصاحب مینمایند . از اینرو دهقانان نیمه مالك از دهقانان مالك بیشتر و از دهقانان فقیر کمتر انقلابی‌اند . دهقانان فقیر دهقانان اجاره‌دار ده هستند که توسط مالکان ارضی استثمار میشوند . دهقانان فقیر را نیز میتوان بر حسب وضع اقتصادی شان بدو گروه تقسیم نمود : گروه اول صاحب وسایل کشاورزی نسبتاً کافی و مقداری پول است . این دهقانان همه ساله نیمی از محصول خود را دریافت میکنند و کمبود خود را از طریق زراعت محصولات فرعی یا ماهیگیری ، مرغداری ، خوک پروری و یا فروش قسمتی از نیروی کار خود بزحمت تأمین مینمایند و تحت شرایط سخت مادی پیوسته در این امیدند که بتوانند تا رسیدن خرمن سال آینده زندگی خود را بگذرانند . از اینرو زندگی آنها سختتر از زندگی دهقانان نیمه مالك ولی بهتر از زندگی گروه دوم دهقانان فقیر است . آنها از دهقانان نیمه مالك بیشتر ولی از گروه دوم دهقانان فقیر کمتر انقلابی‌اند . گروه دوم دهقانان فقیر نه صاحب وسایل کشاورزی کافی هستند و نه پول و کود کافی در اختیار دارند . محصول آنها کم است و پس از پرداخت بهره‌سالکانه تقریباً دیگر هیچ چیز برای آنها باقی نماند و بدین سبب به فروش قسمتی از نیروی کار خود بیشتر نیازمندند . آنها در سالهای قحطی و روزهای سخت از خویشاوندان و دوستان

خود طلب کمک میکنند ، از آنها مقداری غله بقرض میگیرند تا بتوانند حداقل چند صباحی را بگذرانند و در ضمن قروض هنگفت آنها مانند بار گاو بر گرده شان سنگینی میکند . آنها فقیرترین گروه دهقانان را تشکیل میدهند و از اینرو تبلیغات انقلابی را باسانی میپذیرند . پیشه‌وران خرده‌پا را از آنجهت نیمه پرولتاریا مینامند که با وجود اینکه صاحب مقداری وسایل تولید ساده هستند و شغلشان یکی از شغل‌های آزاد محسوب میشود ، اغلب مجبورند قسمتی از نیروی کار خود را بفروشند ، وضع اقتصادی آنها تا حدودی به وضع دهقانان فقیرده شبیه است . بار سنگین مخارج زندگی خانواده ، عدم تناسب بین درآمد و هزینه زندگی ، فشار دائمی فقر و وحشت از بیکاری — همه اینها آنان را به وضع دهقانان فقیر نزدیک میسازد . شاگردان دکاکین ، مزدوران فروشگاه‌ها و مغازه‌ها هستند که زندگی خانواده خود را با درآمد ناچیز اداره میکنند و در حالیکه قیمت اجناس سال بسال ترقی مییابد ، مزد آنها معمولاً هر چند سال یکمرتبه اضافه میگردد . هر گاه اتفاقاً با آنها درددل کنید ، خواهید دید که مرتب از بخت بد خود شکوه و شکایت میکنند . وضع آنها با وضع دهقانان فقیر و پیشه‌وران خرده‌پا زیاد تفاوت ندارد ، و از اینرو آنها نیز تبلیغات انقلابی را باسانی می‌پذیرند . کاسبان دوره گرد — خواه خانه بخانه دوره گردی کنند و خواه دک‌های در کنار خیابان داشته باشند — دارای سرمایه ناچیز و درآمد کم میباشند و نمیتوانند لباس و خوراک خود را باندازه کافی تأمین کنند . آنها تقریباً همان وضع دهقانان فقیر را دارند و مانند آنها به انقلابی نیازمندند که بتواند وضع موجود را دگرگون سازد .

پرولتاریا . تعداد پرولتاریای صنعتی مدرن چین تقریباً بدو میلیون نفر میرسد . علت قلت پرولتاریای صنعتی مدرن را باید در عقب‌ماندگی اقتصادی کشور جست . اکثریت قاطع دو میلیون کارگر در پنج شاخه صنعتی زیرین

یعنی راه آهن ، معدن ، حمل و نقل دریائی ، صنایع نساجی و کشتی سازی کار میکنند و قسمت اعظم آنها در انقیاد کارفرمایان خارجی اند . پرولتاریای صنعتی چین با وصف اینکه قلیل العده است ، نماینده نیروهای مولده جدید چین بوده و مترقی ترین طبقه چین مدرن را تشکیل میدهد و به نیروی رهبری کننده جنبش انقلابی چین بدل گشته است . هر گاه ما به قدرتی که این طبقه در اعتصابات چهار سال اخیر نشان داد - مانند : اعتصاب ملوانان (۱۱) ، اعتصاب کارگران راه آهن (۱۲) ، اعتصابهای کارگران معادن زغال در کای لوآن و جیانگوزوه (۱۳) ، اعتصاب در شامیان (۱۴) و اعتصابهای پس از "جنبش ۳ مه" در شانگهای و هنگ کنگ (۱۵) - نظر بیافکنیم ، بلافاصله با اهمیت نقش پرولتاریای صنعتی در انقلاب چین پی خواهیم برد . اولین دلیل اینکه چرا کارگران صنعتی نقش مهمی برعهده دارند ، تمرکز آنهاست . هیچ گروه دیگری مردم یافت نمیشود که چنین متمرکز باشد . دومین دلیل ، وضع بد اقتصادی آنهاست . آنها از تملك هر گونه وسایل تولید محرومند و هیچ چیز جز دو دست خود ندارند ، آنها بهیچوجه امیدی به ثروتمند شدن ندارند ، و بعلاوه امپریالیستها ، دیکتاتورهای نظامی و بورژوازی به بیرحمانه ترین وجهی با آنها رفتار میکنند . بدین سبب است که آنها بویژه مستعد پیکار هستند . نیروی عملجات شهری نیز شایان توجه است . اکثریت آنها باراندازان کشتی و ریکشاکشان میباشند ؛ کناسها و روفتگران و غیره نیز جزو این گروهند . آنها جز دو دست خود چیز دیگری ندارند و از نظروضع اقتصادی به کارگران صنعتی نزدیکند ، ولی مانند آنها متمرکز نیستند و در تولید نقش چندان مهمی بازی نمیکند . کشاورزی سرمایه داری مدرن در چین هنوز بسیار ناچیز است . منظور از پرولتاریای ده همان کارگران کشاورزی است که سالانه ، ماهانه و یا روزانه اجیر میشوند . این کارگران

کشاورزی نه صاحب زمین‌اند و نه صاحب وسایل کشاورزی و بعلاوه پولی هم در بساط ندارند ، لذا ناگزیرند برای ادامه زندگی نیروی کار خود را بفروشند . آنها در مقایسه با سایر کارگران دارای طولانی‌ترین ساعات کار ، ناچیزترین مزد ، بدترین شرایط و کمترین اطمینان بکار میباشند . این اشخاص در روستا از همه محروم‌ترند و در جنبش دهقانی نیز مانند دهقانان فقیر موضع مهمی اتخاذ میکنند .

علاوه بر همه اینها ، تعداد نسبتاً زیادی لومپن پرولتاریا وجود دارد . آنها دهقانانی هستند که زمین خود را از دست داده‌اند و یا پیشه‌ورانی هستند که دیگر اسکان کار ندارند . آنها در میان جمع انسانها نامطمئن‌ترین زندگی را میگذرانند . این گروه برای کمک متقابل بیکدیگر در مبارزه سیاسی و اقتصادی در تمام نقاط کشور سازمانهای سری ویژه خود را تشکیل داده‌اند ، مانند : " اتحاد سه گانه " در استانهای فوجیان و گوان دون ؛ " انجمن برادران " در استانهای خونان ، حوبه ، گوی جو و سی چوان ؛ " انجمن شمشیر بزرگ " در استانهای ان هوی ، حه نان ، شان دون ؛ " انجمن عدالت " در استان جی لی و سه استان شمال شرقی ؛ و " دسته آبی " در شانگهای و نقاط دیگر (۱۶) . برخورد با این اشخاص یکی از مسایل مشکل چین است . آنها قادر به پیکار شجاعانه هستند ولی مستعد به خرابکاری نیز میباشند و در صورتیکه بدرستی هدایت شوند ، میتوانند به نیروی انقلابی بدل گردند .

از آنچه در فوق گذشت ، نتیجه میشود که کلیه همداستان اسپریالیسم — دیکتاتورهای نظامی ، بوروکراتها ، بورژوازی کمپرادور و طبقه مالکان بزرگ ارضی و آن بخش مرتجع از روشنفکران وابسته بانها — دشمنان ما هستند . پرولتاریای صنعتی نیروی رهبری کننده انقلاب ماست . تمام نیمه پرولتاریا و خرده

بورژوازی نزدیکترین دوستان ما میباشند. در مورد بورژوازی متوسط متزلزل، جناح راست آن ممکن است بدشمنان ما و جناح چپ آن ممکن است بدوستان ما بدل گردد - لیکن ما باید در برابر این طبقه دائماً هشیار و مراقب باشیم و نگذاریم که در صفوف ما اغتشاشی برپا کند.

یادداشتها

۱ - منظور عده قلیلی سیاستمدار بیشرم فاشیست است که در آژمان "سازمان جوانان ناسیونالیستی چین" را تشکیل دادند و سپس نام آن را به "حزب جوانان چین" عوض نمودند. آنها بمنظور جلب کمک مالی گروههای مختلف مرتجع هیئت حاکمه و امپریالیستها، عملیات ضد انقلابی علیه حزب کمونیست چین و اتحاد شوروی را پیشه خود ساختند.

۲ - دای جی تائو که در جوانی عضو گومیندان شده بود، مدتی با چانکایشک مشترکاً در بورس سفته بازی میکرد. وی پس از مرگ سون یا تسن در سال ۱۹۲۵، به تبلیغات ضد کمونیستی پرداخت و از اینطریق زمینه فکری را برای کودتای ضد انقلابی ۱۹۲۷ چانکایشک آماده ساخت. این شخص مدت مدیدی بعنوان یکی از سگهای زنجیری وفادار چانکایشک در عملیات ضد انقلابی او محسوب میگشت. دای جی تائو در فوریه سال ۱۹۴۹ پس از آنکه مشاهده کرد که از هم پاشیدگی سلطه چانکایشک اجتناب ناپذیر است، در اثر ناامیدی دست به خودکشی زد.

۳ - روزنامه «چن بائو» چاپ پکن، ارگان گروه تحقیقی، یکی از دارودستههای سیاسی بود که در زمینه سیاسی از تسلط و فرمانروائی دیکتاتورهای نظامی شمال چین پشتیبانی میکرد.

۴ - سون یا تسن در سال ۱۹۲۳ با کمک حزب کمونیست چین تصمیم گرفت گومیندان را تجدید سازمان دهد، همکاری گومیندان را با حزب کمونیست تأمین نماید و کمونیستها را در گومیندان بپذیرد؛ و بدین ترتیب در ژانویه سال ۱۹۲۴ در گوان جو اولین کنگره گومیندان را فرا خواند و سه اصل سیاسی اساسی زیر را تنظیم نمود: اتحاد با

روسیه ، همکاری با حزب کمونیست ، پشتیبانی از دهقانان و کارگران . رفیق مائو تسه دون و رفقای دا جائو ، لین بوه چيو و چيو چيو بای و غیره که در این کنگره شرکت داشتند ، در کمک به گومیندان برای انتخاب راه انقلابی نقش مهمی ایفا نمودند . بعضی از آنها در آلمان به عضویت ویا نامزدی هیئت اجرائیه کمیته مرکزی گومیندان انتخاب شدند .

۵ - منظور رفیق مائو تسه دون در اینجا دهقانان میانه حال است .

۶ - مارشال جائو (جائو گون مین) خداوند ثروت در میتولوژی چین است .

۷ - مستبدین محلی و متنفذین شریر نمایندگان سیاسی و سفاکترین عناصر طبقه مالکان ارضی بشمار میروند . در میان دهقانان مرفه نیز غالباً مستبدین محلی و متنفذین شریری یافت میشوند که نفوذ و قدرت کمتری دارند . - مترجم

۸ - منظور جنبش ضد امپریالیستی است که مردم چین در سال ۱۹۲۵ بعنوان اعتراضی نسبت به حادثه ۳۰ مه کشتار مردم چین در شانگهای از طرف پلیس بریتانیا بر پا ساختند . در ماه مه سال ۱۹۲۵ کارگران کارخانه‌های بافندگی ژاپنی در شهرهای چین دائو و شانگهای یکی پس از دیگری دست به اعتصابات دامنه‌داری زدند ، ولی از طرف امپریالیسم ژاپن و دستیارانش یعنی دیکتاتورهای نظامی شمال چین سرکوب گردیدند . در ۱۵ ماه مه سرمایه‌داران کارخانه‌های بافندگی ژاپنی در شانگهای کارگری را بنام گو جن هون بقتل رساندند و بیش از ده نفر از کارگران را مجروح ساختند ؛ علاوه بر این مقامات ارتجاعی شهر چین دائو در روز ۲۸ مه ۸ نفر از کارگران را مقتول نمودند . بدین مناسبت روز ۳۰ ماه مه بیش از دو هزار نفر از دانشجویان شانگهای بعنوان پشتیبانی از کارگران در منطقه تحت امتیاز انگلیسیها به فعالیت تبلیغاتی دست زدند و از مردم دعوت کردند تا مناطق تحت امتیاز را باز ستانند . در نتیجه این تظاهرات بیش از ده هزار نفر از اهالی شهر گرد آمدند و در مقابل بازداشتگاه منطقه تحت امتیاز انگلیسیها با صدای رسا چنین شعارهایی میدادند : ”مرگ بر امپریالیسم !“ ”مردم سراسر کشور چین متحد شوید !“ و غیره . در این موقع پلیسهای امپریالیسم انگلستان تظاهرکنندگان را به گلوله بستند ، بطوریکه بسیاری از دانشجویان در این حادثه مقتول و یا مجروح گشتند . این حادثه معروف است به ”حادثه خونین ۳۰ مه“ که خشم و انزجار مردم چین را برانگیخت و در نتیجه تظاهرات و اعتصابات از طرف کارگران ، دانشجویان و کسبه در نقاط مختلف بوجود آمد که بیک جنبش ضد

امپریالیستی پردامنه‌ای مبدل گردید .

۹ - در اینجا منظور رفیق مائو تسه دون از آن دهقانان بی‌بضاعت است که هم روی زمین خود و هم روی زمینهای اجاره‌ای کار میکردند .

۱۰ - در چین قدیم شاگردهای دکاکین به اقشار گوناگون تقسیم میشدند . منظور رفیق مائو تسه دون در اینجا قشر نسبتاً وسیع شاگردهای دکاکین است . علاوه بر این قشر دیگری نیز وجود داشت که دارای وضع اقتصادی مشابه با وضع اقتصادی پرولتاریا بود .

۱۱ - منظور اعتصاب ملوانان هنگ کنگ و اعتصاب جاشویان رودخانه یان تسه در اوایل سال ۱۹۲۲ است . اعتصاب ملوانان هنگ کنگ ۸ هفته ادامه داشت و در نتیجه مبارزه سخت و خونین مأمورین امپریالیسم انگلیس در هنگ کنگ مجبور شدند در برابر تقاضای اعتصابیون دایر بر افزایش دستمزد ، احیاء اتحادیه کارگری و آزادی کارگران زندانی و همچنین پرداخت کمک هزینه به خانواده‌های کارگران شهید تسلیم گردند . پس از آن جاشویان یان تسه نیز به اعتصابی دست زدند که دو هفته بطول انجامید و سرانجام نیز پیروز گشت .

۱۲ - حزب کمونیست چین پس از تأسیس در سال ۱۹۲۱ ، بلافاصله به سازماندهی کارگران راه آهن مبادرت ورزید . در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۳ اعتصاباتی تحت رهبری حزب کمونیست در کلیه خطوط اصلی راه آهن انجام گرفتند . معروفترین آنها اعتصاب عمومی کارگران خط پکن - حان کو بود که برای آزادی تشکیل اتحادیه عمومی در ۴ فوریه ۱۹۲۳ صورت گرفت . در ۷ فوریه اوپی فو و سیائو یائونان ، دیکتاتورهای نظامی شمال چین که مورد پشتیبانی امپریالیسم انگلستان قرار داشتند ، کارگران اعتصابی را بیرحمانه قتل عام کردند . این حادثه در تاریخ چین به " حادثه خونین ۷ فوریه " معروف است .

۱۳ - معدن زغال کای لوان نام عمومی دو ناحیه معدن زغال بزرگ بهم پیوسته کای پین و لوان جو در استان حه به است که تقریباً دارای پنجاه هزار کارگر بود . پس از آنکه امپریالیسم انگلستان در جریان جنبش ای حه توان در سال ۱۹۰۰ معدن زغال کای پین را اشغال کرد ، چینی‌ها کمپانی معدن زغال لوان جو را تأسیس نمودند ، که مدتی بعد به اداره عمومی معدن کای لوان ملحق گردید . بدین ترتیب هر دو معدن زغال تحت کنترل امپریالیسم انگلستان درآمد . منظور از اعتصاب کارگران معدن زغال کای لوان اعتصاب اکتبر سال ۱۹۲۲ است . معدن زغال جیائو زوه اول متعلق به

استان حه نان بود ، اکنون بخش غربی استان پین یوان را تشکیل میدهد و یکی از معروفترین معادن زغال چین بود . منظور از اعتصاب کارگران معدن جیائو زوه اعتصابی است که از اول ژوئیه تا نهم اوت ۱۹۲۵ بطول انجامید .

۱۴ - شا میان منطقه امتیازی امپریالیسم انگلستان در گوان جو بود . در ژوئیه سال ۱۹۲۴ امپریالیسم انگلستان که بر شا میان تسلط داشت ، مقررات پلیسی نوینی صادر کرد که طبق آن قرار بود : چینها در وقت ورود و یا خروج از منطقه امتیازی کارت شناسائی عکسدار نشان دهند ، در حالیکه خارجیان میتوانند آزادانه رفت و آمد کنند . کارگران شا میان در ۱۵ ژوئیه بعنوان اعتراض باین تدابیر غیر عادلانه اعلام اعتصاب نمودند . در نتیجه امپریالیستهای انگلستان ناچار گشتند این مقررات پلیسی را لغو نمایند .

۱۵ - بعد از حادثه ۳۰ مه ۱۹۲۵ شانگهای ، اعتصاب عمومی شانگهای با شرکت بیش از دویست هزار کارگر در یکم ژوئن و اعتصاب عمومی هنگ کنگ با شرکت دویست و پنجاه هزار کارگر در ۱۹ ژوئن آغاز گردید . اعتصاب بزرگ هنگ کنگ از پشتیبانی مردم سراسر کشور برخوردار بود و يك سال و چهار ماه ادامه یافت . این اعتصاب طولانیترین اعتصاب در تاریخ جنبش کارگری جهان است .

۱۶ - "اتحاد سه گانه" ، "انجمن برادران" ، "انجمن شمشیر بزرگ" ، "انجمن عدالت" و "دسته آبی" سازمانهای سری ابتدائی بودند که در میان مردم فعالیت میکردند و بطور عمده از دهقانان خانه خراب ، پیشه‌وران کار از دست رفته و لومپن پرولتاریا تشکیل میشدند . در دوران فتودالی چین ، این عناصر که خرافات و موهوم پرستی آنها را بیکدیگر مجتمع میساخت ، سازمانهایی با نامهای گوناگون ایجاد کردند که در آنها سیستم پدرشاهی حکمفرما بود ، و بعضی از آنها سلاح هم در اختیار داشتند . آنها با استفاده از این سازمانها بیکدیگر را در زندگی اجتماعی دستگیری کرده و در مواقع معین بمبارزاتی علیه بوروکراتها و مالکان ارضی که بر آنها ظلم و ستم میکردند ، دست میزدند . ولی بدیهی است که دهقانان و پیشه‌وران نمیتوانستند از این سازمانهای عقب مانده راه رهایی خود را بیابند . این سازمانهای عقب مانده معمولاً باسانی تحت کنترل و استفاده مالکان ارضی و مستبدین محلی قرار میگرفتند ، علاوه براین ، کار آنها با عملیات تخریبی کورکورانه همراه بود و بدینجهت بعضی از آنها به نیروهای مرتجع تبدیل شدند . چانکایشک در کودتای ضد انقلابی سال ۱۹۲۷ برای تخریب در وحدت مردم زحمتکش و انقلاب ، از این سازمانهای عقب مانده چون آلتی استفاده نمود .